

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

احمد پرتوی
۱۳ سپتمبر ۲۰۱۶

پخش نوار یا پروژۀ خرید آبرو برای جمهوری اسلامی

پخش نوار صوتی اعتراض "منتظری" به اعدام زندانیان سیاسی که احکام دادگاه شان صادر شده بود، به مباحث جدیدی دامن زد که تازگی دارد. بحث هائی که ریشه در سابقۀ همکاری در جنایت و یا تأیید آن جنایات در گذشته دارد. جمهوری اسلامی با فراز و نشیب های فراوان گذشته اکنون به نقطه ای رسیده که دیگر نمی تواند همچون قبل به حیاتش ادامه بدهد.

کاهش شدید رأی دهندگان به قریب پانزده میلیون نفر در انتخابات مجلس یازدهم، و سلب اعتماد جامعه نسبت به کل جناح ها، عدم مقبولیت جمهوری اسلامی و واقعیتهای آشکار شد. جمهوری اسلامی از بدو تشکیل با شعار های توده گرا همچون "سرمایه داران زالو صفت" و " ملی کردن صنایع" و "تشکیل شورا های اسلامی" همراه با جنگ و سرکوب و زندان و شکنجه و اعدام منتقدان و مخالفان خود، پایه هایش را محکم کرد.

جمهوری اسلامی از ابتدای تشکیل سه اصل را به عنوان اصول فرهنگی اش، حجاب اجباری، نفی موسیقی و جلوگیری آزادی بیان و تشکل، شدیداً مورد تأکید و با ابزار مختلف سرکوب به جامعه تحمیل می کرد. باید گفت که جمهوری اسلامی در انجام هر سه اصلی که چهار دهه آن را تبلیغ می کرد، علی رغم استفاده از همه وسائل تبلیغاتی و سرکوب، شکست خورده است.

هم اکنون حجاب اجباری به سخره گرفته شده و زنان با پذیرش خطر مواجهه با مأموران رژیم این روزها با برداشتن روسری در اتوموبیل، برنامه حجاب اجباری را عملاً به شکست رسانده اند.

زمانی حمل [وسایل] ساز با خطر بازخواست و شکستن آن روبه رو بود ولی اکنون نه تنها حمل ساز بلکه اجرای موسیقی به طور فردی و گروهی توسط زنان حتی در معابر عمومی هم متداول شده است.

آزادی بیان و عقیده که همواره مورد تهاجم قرار می گرفت، بعد از قتلهای زنجیره ئی نویسندگان و فعالان سیاسی با پیگیری کانون نویسندگان وسعت بیشتری یافت. در این میان پیشرفت تکنولوژی و رسانه ها هم مزید بر علت شد.

باید یادآور شد که تا قبل از خیزش اعتراضی سال ۸۸ بسیاری از جوانان فعال جنبش سبز به تبع رهبران نشان به گذشته سراسر سرکوب و تبعیض و زندان و شکنجه و اعدام جمهوری اسلامی اهمیتی نمی دادند. با تسری سیاست سرکوب به معترضان انتخابات سال ۸۸ و به دلیل ادامه فعالیت خانواده های اعدام شدگان برای دادخواهی، سرکوبگری گذشته رژیم هم به وسعت بسیار بیشتری در جامعه مطرح شد.

با سکوت و طفره رفتن رهبران جنبش سبز در پاسخگویی به انتقادات و اعتراضات به گذشته سرکوبگرانه رژیم، و نقش شان در سرکوبها، پیگیری و تلاش برای دادخواهی افزایش یافت. تا جایی که هم اکنون هر سیاست مداری درباره نقشش در سرکوبهای گذشته مورد سؤال واقع می شود.

اکنون پاسخ به چگونگی سرکوب های گذشته و واقعیت اعدام های پنهان رژیم به معضل بزرگی که چشم انداز رژیم جمهوری اسلامی را تیره و تار کرده، تبدیل شده است. به گونه ای که در صورت اوج گیری دوباره جنبش اعتراضی، به دلیل عدم مقبولیت و از دست دادن آبرویش نزد جوانان اصلاح طلب، ادامه حیات جمهوری اسلامی با خطر جدی مواجه خواهد شد. در این شرایط است که اصلاح طلبان با طرح اطلاعات سوخته مانند نوار اعتراضی "منتظری" در سطح گسترده برای حل این معضل دست به کار شده اند. این پروژه توسط جناح اصلاح طلب با هدف حفظ جمهوری اسلامی و برتری جوئی جناحی علیه جامعه برنامه ریزی شده است.

بیانیه های صادر شده از طرف اصلاح طلبان خارج از کشور و نظرات همتایان شان در ایران، افراد ملی مذهبی خارج از کشور و مصاحبه "احمد منتظری" با رسانه ها، نامه های "علی مطهری" یکی از افراد مطرح باند "رفسنجانی" و تأیید انجام اعدام ها توسط "پور محمدی" و ریاست قوه قضائیه و فرزندان "احمد خمینی" و نماینده "خامنه ای" در نماز جمعه، همگی سخن از برنامه ریزی و توافق قبلی در طرح مسأله اعدامها است.

سخنان "علی مطهری" و نماینده حامی اصلاح طلبش در مجلس، گفته "کدیور" که می گوید: "اعدامها با نظرات فقهی خمینی مغایر است" و تأکید "تقی رحمانی" در تأیید نظر "کدیور" برای برائت "خمینی" همه نشان از هماهنگی نظری و عملی برای حفظ قداست "خمینی" و جلوگیری از گزند به جمهوری اسلامی است.

در یک جبهه مدافعان و محافظان جمهوری اسلامی قرار دارند و در جبهه مقابل دادخواهی خانواده های اعدام شدگان و جامعه برای روشن شدن نام، محل دفن، علت اعدام، محاکمه آمران و مجریان و بازخوانی پرونده های اعدام شدگان، و چگونگی جلوگیری از تکرار چنین وقایعی صف کشیده اند.

بازخوانی تجربه مراکش پس از حکومت سرکوبگر "ملک حسن" می تواند هشدار آمیز باشد. وقتی پسر "ملک حسن" به قدرت رسید برای آبرو خری حکومت، یک هیأت از افراد شکنجه شده به انتخاب گروهی از زندانیان تشکیل داد تا درستی و یا نادرستی ادعاهای افراد را در مورد شکنجه شدن بررسی و مقدار خسارت را تعیین کنند. این سیاست نه ابعاد شکنجه را روشن کرد و نه آمران و عاملان و نه دلایل را شناسائی کرد.

نظر می رسد که مجموعه عوامل کنونی پشت پرده این نمایش فقط با هدف خریداری آبرو برای حفظ جمهوری اسلامی به میدان آمده اند.

فقط برجسته کردن مسائل اجتماعی و ابعاد عمومی این جنایت است که می تواند نتیجه درستی برای دادخواهی خصوصی هم فراهم آورد.

شرکت وکلای جامعه گرا در این دادخواهی عمومی کشوری و اطلاع رسانی کامل عمومی می تواند راهگشای جلوگیری از تکرار چنین سرکوب هائی در آینده شود.

۳۰ اگست ۲۰۱۶

